

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

احمد قندهاری

۰۸ فبروری ۲۰۱۳

تأمین امنیت

قوای مسلح افغانستان الی زمان اشغال کشور عزیز توسط قوای امپریالیستهای روسی (۶ جدی ۱۳۵۸) متشکل بود از : سه قول اردو که نمبر ۱ در مرکز کابل و نمبر ۲ در قندهار و نمبر ۳ در جنوبی و دیگر قطعات مستقل مرکزی و قوای چهار زره دار و فرقه های مستقل غزنی، هرات، مزار شریف و جلال آباد به شمول قطعات مستقل اسمار، قلات حسین کوت، پروان، نهرین و یک قول اردو در تشکیل خود متشکل بود از فرقه پیاده، قوای زرهی توپچی و دیگر قطعات حربی و تأمیناتی و اکمالاتی و خدمات تخنیک.

قوای هوایی متشکل بود از قطعات هوایی شکاری، ترانسپورتی، قطعات اکمالاتی، تخنیک و کندنک های محافظتی میدانها و قوای دافع هوا و راکت که از نوع رهبری شده بود این همه در تشکیل ارتش وجود داشت . در جوار همین تشکیلات مرکز تعلیمی حربی پوهنتون، هوایی پوهنخی، تخنیک حربی و انجینری کورس(ا) غرض تحصیلات عالی افسران، مکتب خوردضابطان، مکتب خورد ضابطان هوایی و ... عبارت بودند از موسسات تحصیلی و تعلیمی اردوی ما.

پرسونل نظامی اضافه از ۱۵۰ هزار اعم از عساکر و افسران رقم زده می شد.

تعلیمات نظامی طور منظم و سیستماتیک در مکاتب عسکری و پوهنتون های حربی و مکاتب عسکری به علاوه کورسهای مسلکی داخل قطعات صورت میگرفت.

دوره مکلفیت برای تمام اتباع افغانستان بدون ولایت جنوبی دو سال برای کسانی که لیسانس بودند شش ماه و برای فارغین صنوف ۱۲ یک سال تعیین شده بود. این همه بعد از شامل شدن در صفوف قطعات تحت پروگرامهای مشخص مسلکی نظامی تحت یک تقسیم اوقات شبانه روزی تعلیم و تربیه در کورسهای زمانی معین توسط افسران مسلکی آموزش می دیدند . بعد از هر دوره تعلیمی از سطح تعلیمی افراد توسط هیأت های رده بالائی اردو تفتیش و بررسی می شد.

ولی باید تذکار داد که از نظر محلات رهايشی عساکر جلبی به بدترین شرایط شب و روز را سپری می نمودند خصوصاً در فصل زمستان و مناطق سرد سیر و همچنین غذای شبانه روزی از نگاه کیفیت و کمیت قطعاً به نورم غذائی یک عسکر برابری نداشت. البته طبق نظام نامه های لوجستیکي همه چیز با نورم صحی یک عسکر تعیین شده بود ولی حیف و نوش آمرین و دست اندر کاران زیاد بود.

کمبودها آنقدر زیاد بود که گنجانبین آن در این مختصر امکان پذیر نمی باشد ولی از نگاه مورال نظامی و روحیه ملی قابل ستایش بود.

غرض دفاع از تمامیت ارضی کشور با روحیه ملیگرائی توأم با هر نوع فداکاری احضارات افتخارانه احساس می شد. کمالات قوای مسلح چون طبق قوانین دوره مکلفیت عسکری در هر سال در یک دوره معین انجام می شد. سطح کمالات اردو الی کودتای مرگبار و سیاه هفت ثور سال ۵۷ در هر دوره کمالاتی اضافه تشکیل بود و اکثراً به دوره های ما بعد منتظر می بود.

ولی با آغاز دوره جدید حکومت کودتا و ضد مردمی بعد از سه، چهار ماه اول سطح کمالات عساکر رو به کاهش بود به هر اندازه ای که تسلط حکومتی از ولسوالی های بیرون از شهر های بزرگ کمتر شده می رفت سطح کمالات قوای مسلح از نظر جلب و احضار دو چند رو به کاهش بود و بعد از شش ماه اول کودتای قتل و کشتار الی شروع دوره امین جلاد فرار های دسته جمعی و فردی آنقدر رو به افزایش بود که الی تجاوز قشون سرخ به ۴۰ الی ۵۰ فیصد رسیده بود. ولی بعد از اشغال کشور عزیز توسط امپریالیستهای روسی مردم آزاده این سرزمین خدمت زیر بیرق و نظام را به کلی تحریم نمودند. باز هم فرار و تسلیمی قطعات آنقدر گراف صعودی داشت که سطح کمالات زیاد تر از ۷۰ فیصد رسید. و به سطح انسان دزدی در کوچه و بازار تنزل نمود.

به ملاحظه ریاست تشکیلات وزارت دفاع وقت که توسط ببرک خابن و وطن فروش در کنفرانس باند پرچم و خلق در تالار کنفرانس وزارت دفاع رقم فرار عسکر با سلاح شصت هزار اعلام گردید. سال ۱۳۶۰ - از ارقام فوق به نتیجه می رسیم که مردم سلحشور این سرزمین بودند که با ایثار و خود گذری از آزادی مام میهن دفاع نمودند. نه این که قوای دوست باندیست های خلق و پرچم و سوسیالیزم دورغین شان و اکنون قوای مدافع دموکراسی و حقوق بشر که هرگز تأمین نشد.

هر ارتش در هر کشوری دارای یک دوکتورین نظامی ستراتیژک می باشد. و دکتورین نظامی افغانستان در سطح ستراتیژیک دفاعی بود. همه قطعات ما بر وفق پلان ستراتیژیک دفاعی و وضع جیوپولیتیکی منطقه تعبیه شده بود. طور مثال همه میدانهای هوایی به غرض دفاع از نزدیکترین میدانهای هوایی نظامی کشورهای همسایه مسلح و تعبیه شده بودند. غرض از تذکار مقدمه مختصر از تشکیلات قوای مسلح آنزمان اینست که بعد از اشغال کشور توسط قوای سرخ روسی و ارتش نیمه شکسته که نقطه شکست آن بعد از کودتای ۷ ثور آغازیدن گرفت در مساعی با قوای امنیتی کشور و ۱۵۰ هزار قشون سرخ نتوانست که تأمین امنیت کند.

چون دولت مردمی بر کشور مسلط نبود و همه اقشار و توده های میلیونی مردم از دولت فاصله گرفته بودند. دولت پوشالی وقت همیشه در سرحد سقوط دست و پا می زد تا به پرتگاه سقوط رفت.

بعد از سقوط دولت پوشالی باز هم قوای مسلح نیمه متشکل با سلاحهای سنگین و سبک و طیارات قوای هوایی به دست نصب شدگان استخبارات خارجی (روسی، پاکستانی، ایرانی، امریکائی) به میراث ماند. که آنها به مشوره استخبارات پاکستانی و خون آشامهای جهادی به چور و چپاول و به لیلام گذاشته شد. فاجعه آنقدر هولناک بود که اردو به کلی نابود و شهر کابل به مخروبه های باستانی مبدل گردید و غم انگیزتر از همه که هفتاد هزار هموطن کابلی به جاودانگی پیوست.

یاد آور شدیم که نقطه آغاز شکست اردو، کودتای مرگبار هفت ثور بود. باند خلق و پرچم تمام افسران مسلکی و ورزیده را از همه پستهای فنی و مسلکی ایشان به قدمه های پائین و غیر مسلکی و یا تأمیناتی تعیینات کردند و در عوض از افسران غیر مسلکی و پائین رتبه ها استفاده ابزاری صورت گرفت. به جوار همین تعیینات ها اکثراً افسران مسلکی و ملی به صد ها تن روانه زندانها و شکنجه گاه مخوف و کشنده و در پولیگونهای انداخت عسکری که به اعدامگاه های

انسانهای شریف تبدیل شده بود جوخه جوخه به جاودانگی پیوستند. از جمله اعدام دسته جمعی افسران قول اردوی قندهار به دستور سرحوزه وال و کاروانی و اعضای باند آگسا و کام و به همین گونه افسران قوای ننگرها. و هم عده زیادی از افسران مسلکی و ورزیده به تقاعد اجباری سوق گردیدند و حتی بعد از تقاعد اجباری گرفتار و زندانی شدند.

به عوض این همه کمبودها از ضابطان مستعجل و اعضای جدید جذب شده سازمانهای اولیه حربی پلان تشکیل به اصطلاح ارتش توده ئی و ملی را به سر داشتند. ترکی کودن آنقدر از دانش سیاسی فقیر بود که نمی فهمید که تشکیل ارتش توده ئی از طریق راه تکاملی انقلابات توده ئی امکان پذیر است و بس نه توسط کودتای نظامی.

این هم از تر های جدید سوسیال امپریالیست روسی بود که به مشوره مشاورین آنها عمل می شد. نه این که بر وفق واقعیت های به خصوص ما. و این یک واقعیت تاریخی بود که زمینه سازی شکست و متلاشی شدن ارتش افغانستان توسط باندیست های خلق و پرچم تهداب گذاری شد تا تخریب همه هستی های این سرزمین.

از این که در این روزها از خروج قوای ناتو تحت رهبری امپریالیستها و تأمین امنیت بعد از سال ۲۰۱۴ از هر طرف به سلیقه های مختلف تبلیغات و سر خط خبری رسانه ها شده، باید تذکار داد: اگر با بودن قوای ناتو و امریکا و سازماندهی دو صد یا سه صد هزار مرد مسلح تشکیل وزارت دفاع و داخله و تأمین امنیت به یک نظر اجمالی تحت بررسی گرفته شود. قرار ذیل خواهد بود:

دولت موجوده که در تشکیل وزارت دفاع شماری از قول اردو ها را رقم می زند آیا حقیقتاً این یک قول اردو می باشد واضح و روشن است که به آنها قول اردو گفته نمی توانیم. به مقایسه فوق میپردازیم به ساختار قوای موجوده:

طوری که به مشاهده می رسد در تشکیل نیروهای مسلح فعلی همه عساکر به صفت مزدور استخدام می شوند. چون سطح بیکاری و فقر به اوج خود رسیده عده زیادی از جوانان به خاطر کسپول و امرار معاش به صفوف این اردوی پوشالی جذب می شوند.

جلب و جذب افراد توسط اجنهای سران تنظیمی و جهادی با کمیشن کاری به وزارت دفاع معرفی و سوق می شوند. و شمار فیصدی بالای آنها از افراد سلاح انداز و دوستان وابسته به سران تنظیمی ها و نمایندگان استخباراتی بیرون مرزی می باشند. به ملاحظات عینی اکثر عملیتهای انتحاری و چریکی نیروهای مخالف دولتی در تبنانی به همین افراد نفوذی انجام می گیرد.

پس قوای مسلح فعلی زیادتیر وابسته به منافع گروهی و تنظیمی بوده نه به غرض تأمین امنیت سرتاسری افغانستان و تمامیت ارضی آن.

قول اردو های نامنهاد تنها مسلح به سلاح خفیه و سبک می باشد و از سلاحهای سنگین و ثقیله و هوایی اثری وجود ندارد.

قبلاً در گذشته ها در تشکیل قوای زمینی و هوایی مفرزه های محافظتی و تأمیناتی گنجانیده شده بود که تنها مسلح به سلاح خفیه بودند. پس تمام این قطعات نیروهای پوشالی عبارت اند از کندک های محافظتی زمینی و اپراتیفی که از نظر نظامی قطعاً قول اردو نباید به حساب آورد.

ارتقاء به رتبه های بلند حتی اضافه تر از منصبهای تعیین شده آنقدر رایج شد که در سطح پولیس ترافیک جاده هم رتبه جنرالی دارد.

ارتقاء به رتبه های بالائی نظامی اکثر با نظر داشت تشکیل کدري به لیاقت و سوبه دانش مسلکی و قدرت کاری و سپری نمودن دوره مشخص کاری طبق نظام نامه ترفیع و تقاعد صورت می گرفت. اگرچه اکثر این جنرالهای الی چهار ستاره که اکنون به پنج ستاره هم رسیده از بقایای خلقی پرچمی ها بوده هر کس که به خاطر بقای حزب کثیف شان

خوب کشت شگنجه کرد و خوب سویتست بود، سمارق وار امتیاز و رتبه گرفت. بعدا که جهادی ها عقده های دیرینه خویش را به پوشیدن دریشی و نصب نشانها و زرق و برق نظامی برآورده ساختند که همه به خاطر اخذ امتیازات مادی مناصب جنرالی است و اکثریت مطلق این قومندانان و آمرین نظامی بدون تحصیلات عالی بوده که مثال عمده آن شخص وزیر دفاع کشور و متباقی این قومندانان از نیرو های شکست خورده دوران قبلی خلقی پرچمی و جهادی از وقت تیر شده فقط به دور دالر های باد شده امریکائی جمع هستند. آنها کسانی بودند که همه دارو ندار این سرزمین را نابود کردند و فعلاً با داشتن همچو تجربه کاری موفق به تأمین امنیت نمی باشند. آنها خود عاملین اصلی نا امنی و انارشی این ملت جفا کشیده بودند و هستند. این ها با سن بعداز تقاعد و مرده های بی نفس از خیرات خانه های اروپا و غرب با چهره های خسته و مریض و شکست خورده با پوشیدن لباس نظامی و نصب نشانها و رتبه های خود ساخته در رسانه ها چهره نمائی می کنند و کار شناس نظامی هستند تا به اساس تجارب گذشته هنوز هم کشور را به تباهی سوق دهند. پس به ساختار و ماهیت و کیفیت این نیرو ها قطعاً ارتش یا اوردوئی نباید گفت که متضمن تمامیت ارضی این سرزمین باشند. مثل گذشته ها توان تأمین امنیت را هم ندارند. چنانچه در مساعی مشترک با نیرو های ناتو و امریکائی هم نتوانستند.

گفته می شود خروج نیروهای ناتو و امریکائی بعداز ۲۰۱۴ چه خواهد شد. مثل آن که همه این ملت را ساده فکر کرده اند. نه هموطن عزیز آنطور نیست. سرنوشت ساز این سرزمین مردم آزاده ما هستند نه امریکا و ناتو.

امریکا که در جزایر نیکو گارسا و در دیگر نقاط بحر هند پایگاه های مستحکم نظامی دارد بعداز سقوط دولت شاهی ایران و متلاشی شدن شوروی سابق و عوامل دیگر به خصوص آسیای مرکزی به پایگاه بری ضرورت دارد که از نقطه نظر موقعیت جوپولیتیکی در مرکز کشور های غنی از نفت و گاز، افغانستان بهترین انتخاب است و به همین منظور کشور زخمی افغانها را به اشغال درآوردند و نقاط بسیار استراتژییک کشور عزیز را مثل میدانهای بگرام - قندهار - شیندند را مرکز سوق و اداره و ذخیره نیرو های بشری به پایگاه های نظامی مستحکم از آن خود کردند. و در جوار این همه تأسیسات خلاف قوانین بشری و حقوق بین الدول مراکز شکنجه و زندانها برای سرکوبی آزادی خواهان این سرزمین تحت پوشش مبارزه با تروریزم اعمار نمودند. قوانین بشری و حقوق بین الدول برای امپریالیست ها حد و حدود نمی شناسد.

تا زمانی که منافع نیروهای امریکائی و امپریالیستی ایجاب نماید این نیروهای سرکوبگر و ویژه خواهد بود امریکا برای بودنش و پایگاه های نظامی به همچو یک حالت انارشی و نا امن ضرورت دارد پس امن و امنیتی وجود نخواهد داشت. این ملت آزاده و آزادیخواه ما خواهد بود که مطابق گذشته تاریخی غارتگران، شراندازان، استعمار گران و مزدورانش را چون پر گاه از حریم پاک و مقدس بیرون انداخته، نابود کردنی است.

موفق و سر بلند باد مردم سلحشور و آزاده ما.

دگرمن کندهاری.

۰۲/۰۷/۲۰۱۳